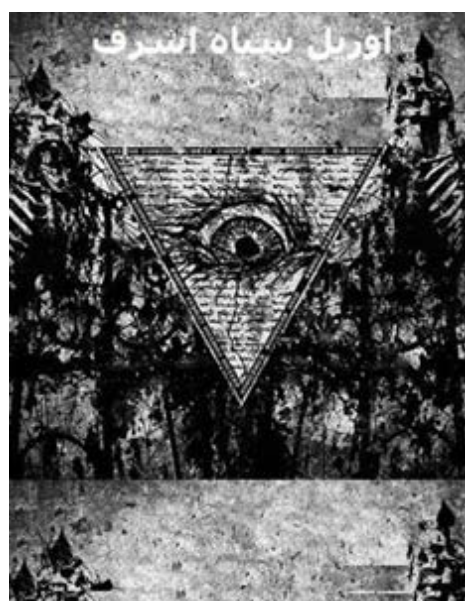


آوریل سیاه اشرف و نقش اشغالگران عراق

همنشین بهار

وقتی گماشتگان «بوش و بلر» به اشرف ریختند و آوریل سیاه را آفریدند، «فریدون عینی» نیز به خاک و خون غلطید. سیمای مطهر آن عزیز را در میان جانباختگان (یا بهتر بگویم زندگان) دیدم و بی‌اختیار، آیه ششم سوره انشقاق در نظرم مجسم شد. ای انسان، برای رسیدن به راز وجود و کعبه مقصود باید با درد و رنج همدم و همنشین باشی. یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَّاقٍ الهه تکامل چاره ای ندارد جز آنکه شراب خود را در کاسه سر شهیدان بنوشد.

- چهارشنبه هفدهم فروردین ۱۳۹۰، رابرت گیتس Robert Michael Gates وزیر دفاع ایالات متحده به بغداد می‌آید تا از نیروهای نظامی آمریکا دیدار کرده و با مقامات عراقی (جلال طالبانی، نوری المالکی و جاسم العبیدی وزیر دفاع عراق) از جمله در مورد ضرورت اجرای توافقات مشارکت (مصالحه) که بخشی از پروسه اولیه تشکیل دولت در پاییز ۲۰۱۰ بود، گفتگو کند.



- جریان مالکی که به پیروی از تهران، وقت و بی‌وقت بخشی از بند سوم توافقنامه (پانویس)

مجاهدین در سال ۲۰۰۳ را به رُخ می‌کشید، سرخوش از ادامه نام‌گذاری تروریستی علیه مجاهدین در آمریکا، کفش و کلاه می‌کند و علیه مجاهدین خط و نشان می‌کشد.

- دولت عراق بی‌توجه به این واقعیت که رهیافت‌های نظری مبتنی بر Peace of Westphalia نظم **وستفالی** (پانویس) با چالش مواجه شده و دولت‌ها نمی‌توانند با استناد به مفهوم حاکمیت مطلق، رعایت حقوق انسان‌ها را نادیده بگیرند، با علم کردن اصل عدم مداخله و «حق حاکمیت دولتها بر تمامی حیطه سرزمین‌شان» بر تصمیم اعزام نیروهای نظامی خود به سمت قرارگاه اشرف، پامی‌فشارد و گسیل نیروهای نظامی اش را به سمت قرارگاه اشرف به اطلاع رابرت گیتس و دیگر مقامات آمریکایی می‌رساند.

- عراقی‌ها حساب شده در زمان حضور وزیر دفاع ایالات متحده حمله کردند تا نشان دهند حمایت آمریکایی‌ها را دارند. دفعه پیش هم چنین کردند. تجربه نشان داد مدعیان صاحب اختیاری جهان که خودشان در عراق هزار گیر و پیچ دارند به خاطر مجاهدین با دولتی که پیمان امنیتی بسته اند، در نمی‌افتند.

○ در ادامه ماجرا، سرفرماندهی نیروهای آمریکایی مستقر در عراق، به فرماندهی نیروهای آمریکایی مستقر در اشرف دستور می‌دهد از آنجا بروند و کاری به کار نیروهای عراقی نداشته باشند. (شتر دیدی، ندیدی !)

○ دو روز بعد از ورود رابرت گیتس به عراق، (۱۹ فروردین ۱۳۹۰) نیروهای مسلح عراقی با توجیه بازگرداندن زمین‌های کشاورزی به صاحبانشان به افراد بی‌سلاح اشرف حمله کرده، آنان را لت و پار می‌کنند. «یکنوع کشاورزی در عراق جدید، با هاموی و هامر و لودور و بولدز که بذر آن سرها و قلبهای فرزندان رشید ایران است و زمین اش با خون مجاهدین آبیاری می‌شود.»
(پانویس)

○ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓى اَلَّا تَعْدِلُوْا... داشتن زاویه و فاصله یا شخص یا گروهی که حقوقش پایمال می‌گردد ابدًا، ستم به او را توجیه نمی‌کند. حق و انصاف حکم می‌کند که نباید اینگونه جنایات را «باری به هر جهت» برگزار کرد و از آن گذشت. به جای زیرپا گذاشتن وجدان و چُغلی کردن پیش امثال هیلاری کلینتون، باید علیه این بیداد عریان، موضع گرفت.

○ زیرپا گذاشتن مقررات حقوق بین الملل و چشم پوشیدن برای حمله مسلحانه به افراد بی سلاح که از موقعیت «افراد حفاظت شده» تحت کنوانسیون چهارم برخورد دارند، اقدامی ضد انسانی است و تحت هر پارامتر قانون بین الملل یک جنایت جنگی محسوب می‌شود.

○ این سخن امثال «جان بولتون» (پانویس) که «در زمره اختیارات دولت آمریکا نیست که در این مقطع جلوی حمله عراقی ها را بگیرد»، از مسئولیت جنگ افروزان در عراق نمی‌کاهد.

○ در توافق و زد و بند (بین آمریکا و عراق) یک سری پروتکل های مخفی و سری هم وجود داشته است و کشت و کشتار در اشرف بی ارتباط با آن زد و بندها نیست.

○ **اثبات شئی، نفی ماعدا نمی‌کند.** نشان کردن اشغالگران عراق، نقش جریان مالکی و

عقبه‌اش در تهران را (که صاحب

علّه و اصل کاری است) کمرنگ

نمی‌کند. در آوریل سیاه اشرف،

سکوت و رضای آمریکا نقش

کاتالیزور (معین عمل) را بازی کرده

است. این واقعیت را (که مردم

ایران تا همیشه بیاد خواهند

داشت)، نمی‌توان ساده‌انگاری



پنداشت و برجسب «توهم توطئه» زد.

- آیا چراغ سبز دولت آمریکا در این جنایت، برای تضعیف شعار تغییر حکومت در ایران بود ؟ آیا می‌خواستند پیش از خروج احتمالی مجاهدین از لیست قله ای تروریستی، دم رژیم را ببینند و ایجاد بالانس کند؟! آیا برخلاف مردم شریف ضدجنگ و نمایندگان پاکدل و دموکرات ایالات متحده، در عمل نظام سیاسی آن کشور با حق‌کشی و تجاوز خورده و با اندیشه های زلال پدران بنیان‌گذار Founding fathers و امثال جرج واشینگتن و توماس جفرسون و جیمز مدیسون... بیگانه شده است؟
- آوریل سیاه اشرف، یادآور سپتامبر سیاه (أيلول الأسود) در اردن (سال ۱۹۷۰) است که اعضای ساف (P L O) به خاک و خون غلطیدند. یادآور سپتامبر سیاه در لبنان (سال ۱۹۸۲) و کشتار صبرا و شتیلا هم هست.
- در آن دو واقعه سیاه، هدف اصلی قاتلان و اربابان‌شان «ازجاکندن» سازمان آزادی‌بخش فلسطین برای درهم شکستن **ساختار** آن بود.
- آوریل سیاه اشرف، مثل همه توطئه ها و ضربات پیشین علیه سازمان مجاهدین (در تهران و واشنگتن و پاریس و بغداد...) مقدمه ای برای از بین بردن ساختار آن است.
- بنا بر سنت استبدال و استخلاف و به رغم جَولان دائمی دشمنان آزادی، اصالت با ظلمت و تباهی نیست و قاتلین فرزندان مردم ایران، آب در هاون می‌کوبند. سنت‌های الهی و قانونمندی های تاریخ را نمی‌توان زیر تانک گرفت و به گلوله بست...

.....

دولت آمریکا دبه درآورد و زیر قولش زد.

طالبان نفت و دلار که حالا خودشان را به آن راه می‌زنند، سال ۲۰۰۳ به یکایک ساکنان اشرف تعهد سپرده بودند که در ازاء گردآوری سلاح‌ها حفاظت آنها را تأمین خواهند کرد.

Agreement for the individuals of the people's mujahedin organization of iran. (POMI)

توافقنامه مزبور سه بند دارد. پاراگراف دوم از بند سوم :

I will obey the laws of iraq relevant united nations mandates while residing in this country.

AGREEMENT FOR THE INDIVIDUALS OF THE PEOPLE'S MUJAHEDIN ORGANIZATION OF IRAN (POMI)		
You are being offered your release from control and protection in exchange for your promise to comply with certain conditions. In exchange for your promises, you will be released from Multi-National Forces-Iraq control and protection as soon as reasonably practicable.		
Please read the Agreement below. If you agree to abide by these terms, then sign your name at the bottom of the page.		
AGREEMENT		
I, _____, knowingly, willingly, and voluntarily enter into this Agreement with Multi-National Forces-Iraq. I agree to the following:		
a. I reject participation in, or support for terrorism.		
b. I have delivered all military equipment and weapons under my control or responsibility.		
c. I reject violence and I will not unlawfully take up arms or engage in any hostile act. I will obey the laws of Iraq and relevant United Nations mandates while residing in this country.		
I understand that I will be free to leave and to return home when viable disposition options become available. I understand that some of these disposition options include: return to my nation of origin; admission to a third country; application to the Ministry of Displacement and Migration for continued residency in Iraq; or application to international organizations such as the United Nations High Commissioner for Refugees. I agree to cooperate with Multi-National Forces-Iraq while these disposition options are pursued. I agree to remain under the protection of Multi-National Forces-Iraq at Camp Ashraf until these options are completed. If I violate any terms of this Agreement, I may be subject to prosecution or internment, and administrative sanctions. I promise to scrupulously comply with my Agreement.		
SIGNATURE	NAME (PRINTED)	IDENTITY NUMBER
MNF-Iraq Representative	PRINTED NAME, RANK	DATE

تا زمانی که در عراق ساکن هستیم از قوانین عراق و سازمان ملل متحد اطاعت می‌کنم.
.....

«اصل حاکمیت دولت‌ها» به عهدنامه وستفالی باز می‌گردد.

عهدنامه وستفالی The Peace of Westphalia پس از پایان جنگ‌های سی ساله مذهبی (۱۶۴۸-۱۶۱۸) میان کشورهای اروپایی منعقد شد.

اصل عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها

The principle of non-intervention of one state in the internal affairs of another state

و اصل حاکمیت دولت‌ها بر اراضی و مرزهایشان،

The principle of the sovereignty of states and the fundamental right of political self determination

از زمان امضای معاهده وستفالی، بر سر زبانها افتاده است. در مقالات آینده به این معاهده و اهمیت آن، اشاره خواهم کرد.
.....

آمریکایی‌ها هم آمدند و وقتی اوضاع را دیدند دیوانه شدند.

مسئول اول مجاهدین ضمن تشریح روز واقعه (۱۹ فروردین ۱۳۹۰) از «قدر اشرف و مقام محمود آن»، «ریسمان پولادین مریم رهایی»، «ثمره انقلاب مریم در صفوف مجاهدین»، «فدیه عظیم ما در راه آزادی ایران، به مردم عراق و همه خلق‌هایی که از سوریه تا لیبی زیر سم ستوران سرکوب و دیکتاتوری لگدمال می‌شوند»، از عوض شدن دوران و اقتضای مقابله با قیام در ایران و قیام در عراق و اقتضای مقابله با کهکشان حمایت‌های جهانی که مریم در دفاع از مردم و انقلاب ایران برانگیخته... صحبت کرده اند...

ایشان در پیام مزبور به فردی هم اشاره می‌کنند که در کشتار اشرف شرکت داشته و به خانواده و عشیره خودش نوشته است:

مجاهدین، «ما را دیوانه کردند... آمریکایی‌ها هم آمدند و وقتی اوضاع را دیدند دیوانه شدند. مبنی براینکه ما چکارکردیم و چه میزانی داخل رفتیم و چقدر از اینها کشته ایم.»

در این مورد، عریضه نویس (تفنگ‌چی مالکی) که یا ادبیات مجاهدین هم نامه نگاری کرده، خیلی خوش‌خیال است.

چرا باید آمریکایی‌ها دیوانه بشوند؟ دیوانه شدن ندارد. وقتی قوانین بین‌المللی را (علی‌رغم تعهداتشان) زیر پا می‌گذارند و حفاظت اشرف را به دولتی می‌دهند که از روز اول نیت و قصد سرکوب داشت، اوضاع بهتر از این نمی‌شود. عریضه نویس مزبور جوری وانمود می‌کند که انگار آمریکا (که آگاهانه پیمان امنیتی با عراق جدید را امضاء کرده)، از همه جا بی‌خبر بوده و خیال می‌کرده نیروهای مالکی رفته اند در اشرف نخودچی کشمش پخش کنند.

.....

«در نامه‌ها و گزارش‌های مکتوبی که دارم تعدادی از نفرات عراقی که در حمله شرکت داشتند به خانواده و عشیره شان نوشته اند:

تا حالا چنین افرادی ندیده بودند. آنها در جنگ خیلی شجاعت دارند. جنگ را ترک نمی‌کنند. ما از آنها خیلی کشتیم. وقتی پیشروی می‌کردیم مجاهدین هیچ سلاح و هیچ وسیله‌ای نداشتند. اما ما را خسته و دیوانه کردند. برآستی دیوانه کردند. بسیار شجاع هستند و پافشاری می‌کنند. به آنها تیر می‌زنیم ولی فرار نمی‌کنند و نمی‌ترسند و وقتی نفری تیر می‌خورد و روی زمین می‌افتد. یک نفر دیگر می‌آید جای او را می‌گیرد. ما را دیوانه و خسته کردند.

آمریکایی‌ها هم آمدند و وقتی اوضاع را دیدند دیوانه شدند. مبنی براینکه ما چکار کردیم و چه میزانی داخل رفته ایم و چقدر از اینها کشته ایم.

خیلی از اینها کشته شده‌اند. مجاهدین نمی‌دانند ترس چیست. ایرانیان نمی‌دانند ترس چیست.

به خط و رهبری شان مومن هستند.

وقتی می‌جنگند انگار نه از زمین بلکه از یک آرمان دفاع می‌کنند. نمی‌دانم اینها دیگر چه طوری هستند که ما را دیوانه کردند. من تعجب کردم. زنانشان نمی‌ترسند. مردانشان نمی‌ترسند. وقتی وارد قرارگاه آنها شدیم پیش بینی می‌کردیم به خاطر زرهی‌ها و شلیک فرار خواهند کرد. ولی وقتی جنگیدیم دیدیم بسیار زرنگ و شجاع هستند. برای هر سانتی متر خاک جنگیدن درحالیکه سلاح و مهمات نداشتند. وقتی یک عده را می‌زدیم و بر زمین می‌افتادند می‌گفتیم وقتی جلوتر می‌رویم آنجا دیگر خالی است. آنها می‌بینند نفرات کشته شده‌اند و مابقی فرار می‌کنند ولی وقتی به جای دیگر می‌رفتیم آنهایی که بودند با قدرت بیشتر می‌ایستادند و کشته می‌شدند. زنان شان هم از اینکه زیر ماشین بروند نمی‌ترسند. وای اگر آنها سلاح داشتند یا اگر تجهیزات ما را داشتند دراین صورت از ما دیگر چیزی باقی نمی‌ماند. ما از شجاعت و پافشاری آنها خیلی تعجب کردیم.

می‌گفتند که اینها فقط برای مسعود و مریم رجوی می‌جنگند. آنچه ما دیدیم فقط این نبود. ما به چشم دیدیم که برای امام حسین می‌جنگند و برای کشورشان. نمی‌دانم آیا همه ایرانی‌ها اینطوری هستند یا اینکه فقط اینها اینطوری هستند.»

http://www.didgah.net/seda/13900128_masrajavi_ashraf.ram

(از دقیقه ۹ تا ۱۳)

.....

بخشی از سخنان جان بولتون، ۵ روز بعد از واقعه اشرف

The fact is that it is not within the Power of the United States to use military force at this point to stop what you just saw again

John Bolton

International Conference in presence of high American and European dignitaries

همنشین بهار

hamneshine_bahar@yahoo.com